

شاعری که با کودتا همراهی کرد و با جمهوری، مخالفت

۲۳ تیر ۱۴۰۰ ساعت ۱۸:۵۳

مواضع سیاسی بهار علیه رضاخان باعث شد تا او به دستور رضاخان دستگیر و مدتی را زندانی شود. او بعد از مدتی زندانی شدن با میانجیگری فروغی آزاد شد و بعد از آزادی، تا پایان حکومت رضاشاه از سیاست کناره‌گیری کرد و به تدریس دروس مختلف از جمله تاریخ ادبیات پیش از اسلام پرداخت.

رضاخان تا پیش از [کودتای ۱۲۹۹](#) فردی گمنام و ناشناخته بود؛ اما بعد از کودتای ۱۲۹۹ نام او بر سر بسیاری از زبان‌ها افتاد. در ابتدا بسیاری به مسلک او پیوستند و با او همراه شدند، زیرا رضاخان را ناجی کشور می‌دانستند. اما به تدریج بسیاری از حامیان او به مخالفان سرسختش تبدیل شدند. ملک‌الشعراى بهار از شاعران و سیاستمداران معروف آن دوره از جمله این افراد است که در ابتدا از حامیان رضاخان بود و در کودتای ۱۲۹۹ از او حمایت کرد؛ اما بعدها به انتقاد از سیاست‌های او پرداخت. چرایی این تغییر رویه، موضوعی است که در ادامه این نوشته بدان پرداخته شده است.

ملک‌الشعراى بهار و حمایت او از رضاخان

[محمدتقی بهار](#)، معروف به ملک‌الشعرا از سیاستمداران معروف دوره قاجار و پهلوی است که ورود خود به سیاست را با حمایت از نهضت مشروطه آغاز کرد. او در ابتدا با اشعاری علیه استبداد و بعدها با انتشار نوشته‌های خود در روزنامه نوبهار که به خود او منسوب بود، بر سیاست‌های استبدادی شاهان قاجار حمله کرد. بهار در بیست سالگی به صف مشروطه‌طلبان خراسان پیوست و اولین آثار ادبی - سیاسی او در روزنامه خراسان (۲۵ صفر ۱۳۲۷ - ۲۵ رجب ۱۳۲۷) به طریق پنهانی و بدون امضا به چاپ می‌رسید که مشهورترین آن‌ها مستزادی است خطاب به محمدعلیشاه ۱.

محمدتقی بهار در روزنامه نوبهار افکار حزب دموکرات را نیز انتشار می‌داد و خودش نیز یکی از اعضای اصلی این حزب بود. با این حال بتدریج و با انحطاط مشروطه از آرمان‌های اصلی خود، رویه بهار نیز تغییر کرد و همزمان با طرح کودتای ۱۲۹۹، او به یکی از حامیان رضاخان تبدیل شد. علت حمایت بهار از رضاخان، برگرفته از شرایط بحرانی کشور بود. در واقع وضعیت بد کشور در امور سیاسی و اقتصادی که بخشی از آن متأثر از مصائب جنگ جهانی اول به کشور بود و بخشی هم ناشی از انقلاب مشروطه، باعث شد تا بسیاری از نخبگان کشور راه برون‌رفت از مشکلات را در دولتی قوی و متمرکز تصور نمایند.

بر این اساس بهار نیز با گرایش‌ات وطن‌دوستانه بر این باور بود که رضاخان همان شخصیتی است که می‌تواند ناجی کشور باشد. او در این باره نوشته است: ... فکر تغییر وضع سیاسی در هر سری دور می‌زده است و از شاه تا شاهزاده و از عالم و عامی همه

دریافته بودند که با این وضع شرب الیهود و اصول ریاکار و پوشاندن لباس ملی بر اغراض فرومایه شخصی نمی‌توان کار کرد و همه درصدد بودند که از طریق کودتا و جمع قوای متشتت و تمرکز آنها می‌توان به سرمنزل مقصود رسید... ۲ بهار با این تصور به حمایت از رضاخان پرداخت، اما بهار بعد از آنکه به نیت واقعی رضاخان پی برد، به یکی از مخالفان او تبدیل شد.

بهار به جرگه مخالفان پیوست

بهار اولین بار در موضوع جمهوری رضاخان به مخالفت با او برخاست. او در مجلس پنجم در صف مخالفان جمهوری رضاخانی جای‌گزید و معتقد بود که موافقت سردار سپه با جمهوری، اسباب تردید مردم شده است و مردم نتیجه چنین جمهوری را دیکتاتوری رضاخان می‌بینند. ۳ البته او به دلیل ترس از رضاخان به ابراز واقعی دیدگاه خود نپرداخت و حتی گفته شده است که اشعاری هم در تحسین جمهوری رضاخان سرود. اما او عملاً مخالف جمهوری رضاخان بود و دلایلش از این مخالفت عبارت بود از:

ترس از برپایی حکومت غیردینی و سکولار در جامعه‌ی سنتی ایران و حذف روحانیون از ساختار قدرت سیاسی کشور - ناخرسندی و نگرانی شدید از قدرتگیری فزاینده‌ی رضاخان در ساختار سیاسی متزلزل کشور و تسلط اقتدارگرایانه‌اش بر نهادهای حاکمیت و در نهایت استقرار سلطنت بلامنازع او، که بهار آن را مغایر قانون اساسی مشروطه میدانست. زیرا چندین ماده متمام آن قانون، به صراحت، استمرار سلطنت مشروطه‌ی ایران را در خاندان و اعقاب ذکور محمدعلی شاه قاجار منحصر کرده بود. دفاع از ضرورت حفظ قانون اساسی مشروطیت و اصرار بر تداوم نظام سلطنت مشروطه. ۴ گفته شده است بعد از مخالفت بهار با جمهوری رضاخان، عوامل حکومت تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند؛ اما به اشتباه فردی به نام واعظ قزوینی را به جای او ترور کردند.

بهار پیش از آن و در جریان قتل میرزاده عشقی نیز به مخالفت جدی و اساسی با رضاخان پرداخته بود. در ابتدا رضاخان تلاش کرد تا قتل میرزاده را کار متعصبین مذهبی جلوه دهد؛ اما همه متوجه شدند که رضاخان خود عامل قتل میرزاده عشقی بوده است. از این رو بهار به عنوان یکی از مخالفان سرسخت تصمیم گرفت در مجلس علیه این موضوع صحبت کند. سردار اسعد بختیاری شرح مخالفت بهار در مجلس را اینگونه تشریح کرده است:

«خیال داشت در باب کشته شدن عشقی و نداشتن امنیت مذاکره نماید. اما از طرف رئیس مجلس به اسم مشکل تراشی قانونی جلوگیری شد. لیدر اقلیت که مدرس باشد با اقایان قهر کرده از مجلس خارج شدند به اسم این که چرا نمی‌گذارند وکیل حرف بزند و آزادی و کیل را خفه میکنند... بالاخره ملک الشعراء بیان خود را در مجلس اظهار کرد. قصدش این بود تقریباً که قاتل عشقی به میل دولت این عمل را کرده است، چون عشقی از مخالفین دولت بوده است و امنیت به این ترتیب برداشته شده است.» ۵

در نهایت مواضع سیاسی بهار علیه رضاخان باعث شد تا او به دستور رضاخان دستگیر و مدتی را زندانی شود. او بعد از مدتی زندانی شدن با میانجیگری فروغی آزاد شد و بعد از آزادی، تا پایان حکومت رضاشاه از سیاست کناره‌گیری کرد و به تدریس دروس مختلف از جمله تاریخ ادبیات پیش از اسلام پرداخت.

سخن‌نهایی

وقتی نام رضاخان با کودتای ۱۲۹۹ مطرح شد، بسیاری به حمایت از او برخاستند، چرا که رضاخان در مدت کوتاهی توانست قدرت‌های محلی را کنار زده و امنیت نسبی را برقرار سازد. او همچنین در ابتدا خود را فردی مسلمان و از مریدان اسلام و روحانیت نشان داد. اتخاذ این سیاست باعث شد تا بسیاری از نخبگان او را منجی کشور بدانند؛ اما وقتی با مرور زمان که چهره واقعی رضا شاه آشکار شد، بسیاری او را تهدیدی برای دستاوردهای مشروطه و نیز توسعه کشور دانستند. از این رو بسیاری از همراهان و موافقان رضاخان به مخالفان سرسخت او و حکومتش تبدیل شدند.

فهرست منابع

۱. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، جلد ۱، ص ۲۱۷۸.
۲. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ایران و استعمار انگلیس: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۱، ص ۴۵۲.
۳. دانشنامه، همان، ص ۲۱۷۸.
۴. فاطمه مدرسی، حسین فرهادنیا، "موضع محمدتقی بهار نسبت به طرح «جمهوریت» رضاخان"، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی، تاریخ سال دوم، شماره هشتم، (۱۳۹۰) ص ۹۸.
۵. سردار اسعد بختیاری، خاطرات سردار اسعد بختیاری (جعفرقلی خان امیربهدار)، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲، صص ۱۲۲-۱۲۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۴۲۴/مخالفت-جمهوری-همراهی-کودتا-شاعری>